

طرق اثبات و مجازات تکمیلی در جرم کشف حجاب در انظار عمومی

محمدسعید حسینی*

چکیده

امروزه در پرتو اندیشه های نوین حقوق کیفری و جرم شناسی، به قضات محاکم اجازه داده شده که در صورت بی نتیجه بودن اقدامات پیشگیرانه عمومی و ارتکاب جرم، آن ها دست به اقدامات پیشگیرانه خاصی برای عدم تکرار جرم در مورد مرتکب زده تا زمینه ارتکاب مجدد جرم در او از بین برود. برای مثال در خصوص رانندگی بدون گواهینامه نوجوانان حکم به خواندن چند مقاله آموزشی در خصوص خطرات رانندگی بدون گواهینامه و آشنایی با حوادث احتمالی می نماید. مهم ترین اهداف مجازات ها اصلاح مرتکب و جلوگیری از تکرار جرم است. مجازات های تکمیلی در قانون مشخص شده و شرط تناسب آن با جرم ارتكابی و شخصیت مرتکب بسیار پراهمیت بوده و مورد تأکید قانون گذار می باشد. همچنین قضات نیز می بایست در تمام طول دادرسی در چارچوب دستورات قانون با متهم برخورد نمایند. در پرونده حاضر با توجه به تحلیل و نقد رأی به نظر می رسد اولاً استنادات دادگاه در محکوم دانستن مرتکب دارای نقص بوده و ثانیاً مجازات تکمیلی بدون هیچ تناسبی با جرم و مرتکب صادر و ناقص حقوق شهروندی و بنیادین وی می باشد. همچنین هیچ توجهی به فلسفه مجازات ها و آموزه های جرم شناسی، پیشگیری و اصلاح مرتکب نشده است.

واژگان کلیدی: کشف حجاب، کشف حجاب در انظار عمومی، مجازات

تکمیلی در جرم کشف حجاب، ادله اثبات دعوی

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، کرمانشاه، ایران.

۱. شرح وقایع پرونده

در این پرونده ملاحظه می‌گردد نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام قوه قضائیه طی گزارشی به مرجع قضایی (دادگاه کیفری ۲) اعلام داشته متشکی‌عنه با وسیله نقلیه خود اقدام به کشف حجاب در حین رانندگی نموده است و چندین بار از طریق ارسال پیامک به ایشان تذکر داده شده و ایشان توجه ننموده است. لذا تقاضای پیگیری و محاکمه نامبرده به مرجع قضایی تحویل داده شده است. با توجه به این که جرم کشف حجاب از جرائم درجه ۸ تعزیری محسوب شده و مستقیماً در محاکم کیفری ۲ بررسی می‌شود (بدون دخالت دادسرا) متهم در شعبه حاضر شده و در دفاع از خود بیان داشته ممکن است در حین رانندگی روسری از سرم افتاده باشد اما تعمداً نبوده و قصد ارتکاب جرم را نداشته‌ام. لکن دادگاه با توجه به استدلالاتی دفاع را بلاجهت دانسته و حکم به محکومیت متشکی‌عنه به جزای نقدی بدل از حبس و مجازات تکمیلی خدمت عمومی رایگان و شست و شوی میت در غسلخانه نموده است.

مشخصات رأی (بدوی/تجدیدنظر)

خواسته یا اتهام: بی‌حجابی در انظار عمومی در حین رانندگی با وسیله شخصی
خواهان یا خوانده (حقوق عمومی): نیروی انتظامی
مرجع رسیدگی‌کننده (صدور رأی): شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری ۲ شهرستان ورامین

رأی دادگاه

«در خصوص گزارش مرجع انتظامی علیه متهم خانم ۰ آهانگر فرزند علی دایر بر بی‌حجابی در انظار عمومی در حین رانندگی با وسیله نقلیه شخصی دادگاه با عنایت به گزارش مرجع انتظامی و متن پیامک‌های مکرر برای شاکی که حاکی از صحت آن گزارش بر توجه اتهام به متهم که در حین رانندگی با وسیله نقلیه شخصی و بدون حجاب شرعی در انظار عمومی و ایضاً اظهارات متهم در جلسه رسیدگی مبنی بر این که شاید در حین رانندگی روسری از سر او افتاده باشد اما انکار نسبت به عمدی بودن بزه انتسابی که انکار متهم از نظر محکمه بنابر مراتب فوق‌الذکر دفاعیات بلاوجه محسوب گردیده و النهایه اتهام معونه علیه متهم محرز و مسلم بوده و استناداً به ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۹۲/۱۲/۴ و تبصره ماده ۶۳۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ و تعرفه خدمات قضایی مصوب ۱۴۰۰ حکم به محکومیت متهم به پرداخت سی و یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از دوماه حبس تعزیری صادر و همچنین جهت تکمیل مجازات تعزیری متهم، استناداً به بند د ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ با اصلاحات مصوب ۹۹/۳/۲۳ مشارالیه را به مدت یک ماه به شستن میت به عنوان خدمات عمومی در غسالخانه تهران محکوم و اعلام می‌دارد آراء صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر استان تهران می‌باشد.

مقدمه

امروزه در پرتو اندیشه‌های نوین حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به قضات محاکم اجازه داده شده که در صورت بی نتیجه بودن اقدامات پیشگیرانه عمومی و ارتکاب جرم، آن‌ها دست به اقدامات پیشگیرانه اختصاصی در مورد مرتکب زده تا زمینه ارتکاب مجدد جرم در او از بین برود. برای مثال اگر بیکاری باعث ارتکاب جرم شده او را به آموختن حرفه و اگر بیماری باعث ارتکاب جرم شده، او را ملزم به درمان خود سازند. مثال دیگر در خصوص رانندگی بدون گواهینامه نوجوانان است که مثلاً او را به خواندن چند مقاله آموزشی در خصوص خطرات رانندگی بدون گواهینامه و آشنایی با حوادث احتمالی محکوم می‌نماید.

یکی از قالب‌های اتخاذ چنین تدابیری توسط دادگاه، دوره مراقبت به عنوان یک جایگزین حبس است که بیش از ده سال از ورود آن به قوانین ما می‌گذرد. در واقع این نهاد نشئت گرفته از علم جرم‌شناسی است که بیان می‌دارد در مقابل واکنش‌های سخت و بدون کشش حقوق کیفری مطلق که اصولاً نیز جواب‌گو نیست، می‌بایست نگرشی جرم‌شناسانه به هر جرم صورت گرفته داشت و از پنجره‌ای وسیع‌تر به جرم، بزه‌کار و بزه‌دیده نگاه کرد. با این که مدت مذکور برای آشنایی دادگاه‌ها با این نهاد نوین کافی بوده است، اما گاهی نشانه‌هایی از اجرای نادرست آن خصوصاً با افزایش پرونده‌های مربوط به بی‌حجابی در معابر و انظار عمومی به چشم می‌خورد.

بعد از تلقی خودرو به عنوان وسیله عدم رعایت حجاب شرعی و حکم به توقیف خودرو و ابطال گواهینامه، برقراری ارتباط بین اشتغال به وکالت، پزشکی، بازیگری و ... با عدم رعایت حجاب و ... شاهد صدور رأی در خصوص متهمی که

مجازات تکمیلی وی خدمت عمومی در یک غسلخانه به عنوان شست و شوی میت است می‌باشیم. همچنین چالش‌هایی در طرق اثبات جرم نیز به چشم می‌خورد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت. برداشت نادرست از روح و هدف قوانین و فلسفه مجازات‌ها گاهی هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه و اشخاص وارد کرده و نه تنها نمی‌تواند پیشگیرانه باشد، بلکه خود چالش‌زاست.

۲. تحلیل حقوقی رأی

۱.۲. بررسی ادله اثبات دعوی و استنادات قاضی در حکم

با بررسی دادنامه صادره در این پرونده قاضی محترم با توجه به گزارش مرجع انتظامی علیه متهم، ارسال پیامک‌های تذکر مکرر و همچنین بیان متهم نسبت به این‌که ممکن است در حین رانندگی روسری گاهی روسری از سرش افتاده باشد اما قصد ارتکاب این جرم را نداشته و عمدی در کار نبوده، ضمن تأکید بر دفاعیات بلاوجه وی حکم به محکومیت صادر نموده است.

اصول مترقی حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، اصل تفسیر مضیق قانون کیفری و ... واجب‌الرعايه بوده و هیچ‌کس حق زیر پا نهادن آن‌ها را ندارد. از این روست که قاضی حق تفسیر موسع از قوانین کیفری را ندارد مگر در موارد خاصی از جمله تفسیر به نفع متهم. حقوق کیفری با توجه به ویژگی‌های خود از جمله این‌که با جان، مال و آزادی شهروندان در ارتباط است می‌بایست همواره حمایتگر شهروندان باشد نه ناقض حقوق آن‌ها. در واقع حقوق جزا به دنبال مجازات کردن نیست و اکثر اوقات باید به دنبال مجازات نکردن باشد. اینجاست که اکثر اساتید حقوق بیان می‌دارند دست قاضی در صدور حکم کیفری و دست حقوق‌دان در تفسیر قانون کیفری می‌بایست همواره لرزان باشد. مهمترین ادله اثبات در امور کیفری شامل اقرار، شهادت شهود، سوگند و علم قاضی می‌باشد. (خالقی، ۱۳۹۴). در پرونده فوق، در واقع متهم اقرار صریحی به ارتکاب جرم ننموده و صرفاً بیان داشته ممکن است حین رانندگی روسری از سرم افتاده باشد، اتفاقی که عرفاً ممکن است برای هر شخصی رخ دهد. همچنین وی تأکید داشته که عمدی در کار نبوده و قصد ارتکاب جرم را نداشته است. باید توجه داشت که اقرار در امور کیفری موضوعیت ندارد و صرفاً دارای طریقت است.

در مورد گزارش نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام قوه قضاییه نیز ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. معنی این ماده بی اعتباری و عدم امکان استناد به گزارشی است که مفاد آن برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه بوده و یا بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تنظیم نشده باشد. (خالقی، ۱۳۹۶).

گزارش فوق نیز براساس شواهد و استنادات پرونده به غیر از اعلام جرم و ارسال پیامک فاقد هرگونه مستندات دیگر از جمله تصویر یا فیلم ارتکاب جرم بوده است. همچنین در صورت وجود تصویر دوربین‌های مداربسته نیز معمولاً فرد خاطی به وضوح شناسایی نمی‌شود و ملاک صرفاً شماره پلاک خودرو می‌باشد. در خصوص پیامک‌های ارسالی نیز با توجه به این‌که صرف ارسال پیامک تذکر دلیلی بر ارتکاب جرم نیست و این پیامک‌ها مستند به تصویر و یا فیلم نیستند، لذا نمی‌توان آن‌ها را نشان‌گر قطعی ارتکاب جرم دانست. در واقع هر مأمور تحت نظارت پلیس امنیت اخلاقی می‌تواند تخلف مذکور را ثبت نماید و نبود روبه‌ای ثابت و قانون و مقررات دقیق در این خصوص ممکن است منجر به برخورد سلیقه‌ای مأموران مذکور گردد. آموزه‌های حقوق جزای عمومی بیان می‌دارد برای ارتکاب یک جرم به سه عنصر قانونی، مادی و معنوی نیاز است و بدون وجود هرکدام از این سه عنصر، درواقع جرمی اتفاق نیفتاده است (اردبیلی، ۱۳۹۴). رکن یا عنصر قانونی بیان‌گر این است که در صورتی که فعل یا ترک فعلی در قانون مجازات به عنوان جرم تصریح و مجازاتی برای آن مشخص شده باشد آن فعل و یا ترک فعل را جرم می‌دانیم. رکن مادی به معنای رخ دادن آن فعل یا ترک فعل است. برای مثال رکن قانونی جرم سرقت ربودن مال غیر است. رکن معنوی نیز به معنای قصد مرتکب از ارتکاب جرم است. بنابراین اگر شخصی مالی را برداشته و فکر کرده متعلق به خودش است، در صورتی که درواقع متعلق به دیگریست، نمی‌توان وی را سارق دانست. چرا که قصد ارتکاب سرقت را نداشته است.

در این پرونده نیز متهم اعلام داشته قصد ارتکاب جرم را نداشته و تعمدی در کار نبوده است. سایر دلایل و قرائن نیز نافی این موضوع نیست. لذا به نظر می‌رسد

به دلایل و استنادات قاضی محترم نقد وارد است و به نظر پژوهشگر حاضر، شاید برائت متهم با استناد به اصل مترقی برائت بهترین حکم ممکن بود. اصل ۳۷ قانون اساسی بیان می‌دارد اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. (منصور، ۱۳۹۴: ۳۷)

۲.۲. بررسی رأی صادره از لحاظ مجازات مقرر

به هر حال و با گذشت از چالش قبلی در باب استنادات و ادله اثبات، قاضی محترم ضمن محکوم دانستن متهم، به عنوان مجازات جایگزین حبس، حکم به پرداخت سی و یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از دو ماه حبس (باتوجه به این‌که جرم بی‌حجابی از جرائم درجه ۸ تعزیری می‌باشد) نموده و به عنوان مجازات تکمیلی نیز متهم را به یک ماه خدمت عمومی رایگان در غسالخانه تهران به عنوان شست و شوی میت محکوم نموده است. به علت مشکلاتی که اجرای حبس و به ویژه حبس‌های کوتاه مدت دارد، قانون‌گذار در برخی جرائم که مجازات حبس دارند قاضی را ملزم یا مخیر کرده است تا مجازات دیگری غیر از حبس را در مورد محکوم علیه اجرا کند. (غفوری، ۱۳۹۹: ۷۵)

در واقع مجازات‌های جایگزین حبس از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۴۵) همچنین در تبصره ماده ۳۷ همین قانون بر الزام قاضی به صدور مجازات جایگزین حبس در مجازات‌های حبس کمتر از ۹۱ روز اشاره شده است. مجازات‌های جایگزین حبس منحصر بر ۵ مورد مذکور در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی (خدمت عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و دوره مراقبت) هستند. در تبصره ماده ۶۴ آمده دادگاه می‌بایست در ضمن حکم، به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیت مقرر در این ماده اشاره نماید که عملاً در دادنامه حاضر شاهد آن نیستیم. خدمات عمومی رایگان هر چند کیفری جایگزین حبس است، اما کیفری قراردادی است که به رضایت محکوم علیه بستگی دارد (اردبیلی، ۱۳۹۴). با نگاهی به فلسفه مجازات‌ها در می‌یابیم مهم‌ترین اهداف ایجاد مجازات بازدارندگی، عدم تکرار جرم، دفاع از حقوق جامعه و اصلاح مرتکب می‌باشد. در نگاهی به واکنش اجتماعی سرکوبنده محض نیز می‌بایست اهداف

مجازات را شامل ارباب، مکافات و اصلاح دانست. در واکنش حمایتی پیشگیرنده نیز پیشگیری با درمان و بازپروری و بی اثرسازی و مراقبت مورد تأکید واقع شده است. به عنوان ضمانت‌های اساسی مشترک میان صورت‌های گوناگون نیز باید به اصل قانونی بودن، رعایت حق کرامت انسانی و ضرورت مداخله مقام قضایی اشاره نمود. (اردبیلی، ۱۳۹۴) در واقع با پیشرفت بشر و عبور از مراحل دادرسی خصوصی و دوران انتقام‌جویی، به مجازات‌ها به صورت نوین نگاه شد و علمی همچون جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... نقض مهمی در تغییر این نگرش داشت. دادرسی در روزگار کنونی به دنبال تحقیر مرتکب و انتقام‌جویی نیست و چنین نگاهی به آن بسیار خطرناک می‌باشد. چه بسا چنین نگاهی از شخصی که ممکن است به واسطه خطا و اشتباهی در دام جرم افتاده و فطرتی پاک دارد مجرمی بالقوه بسازد. مراجع قضایی نه تنها در تشخیص رفتارهای مجرمانه، بلکه در برخورد با متهمان نیز می‌بایست مطابق قانون عمل نمایند. در واقع قانون فصل‌الخطاب بوده و همگان در برابر آن یکسان می‌باشند. اولی را اصل قانونی بودن جرائم و دومی را اصل قانونی بودن دادرسی کیفری می‌نامند که از اصل ۳۶ قانون اساسی، ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری استخراج شده و عدم رعایت آن موجب مسئولیت شرعی و قانونی است. از جمله مقررات مربوط به نحوه انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات، ضوابط مربوط به قرارهای نظارت قضایی است که مشتمل بر دستوراتی است که بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی و علاوه بر صدور قرار تأمین، برای مدتی معین صادر نماید. اصل قانونی بودن حقوق کیفری و لزوم رعایت حقوق شهروندان در دستگاه قضایی ایجاب می‌کند قاضی در صدور قرارهای نظارت قضایی تابع قانون و محدود به دستورات مقرر در قانون در قالب این قرارها باشد. این دستورات به طور حصری در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری احصا شده‌اند و به دلیل محدودیت‌هایی که بر حقوق شهروندان ایجاد می‌نمایند قابل توسعه به سایر تدابیر و اقدامات محدودکننده نیستند.

همچنین ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی تأکید داشته دادگاه شخصی را که به حدود، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم نموده می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در

این قانون و متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات فردی متهم به یک یا چند مجازات تکمیلی مقرر در ماده محکوم نماید. حال سوالی که به نظر می‌رسد این است که بین شخصی که فرضاً در شهرستان ورامین مرتکب جرم کشف حجاب شده با خدمت عمومی در غسلخانه شهر تهران که دارای ۵۷ کیلومتر فاصله از محل زندگی متهم است آن هم به عنوان شست و شوی میت چه تناسبی وجود دارد. البته که شست و شوی میت عملی بسیار ثواب بوده و جز ارزش‌های اخلاقی که شرع نیز بر آن تأکید داشته به حساب می‌آید و نقد این مجازات، نقض ارزش والای خود عمل نیست. لکن هرکسی جرئت روبه‌رویی با میت را ندارد و افراد محدود و خاصی دارای این توانایی هستند. در واقع ترس از مرگ و میت همانند ترس از ارتفاع یا تاریکی از مواردی است که از ابتدا با بشر همراه بوده و همگان قادر به غلبه به آن نیستند. اضافه می‌دارد متهم زن بوده و چنین مجازاتی اصلاً متناسب با جرم، شخصیت متهم و سایر اوضاع و احوال نیست و از دید جرم‌شناسی و فلسفه مجازات نیز نه تنها بازدارنده و اصلاح‌کننده به نظر می‌رسد، بلکه حس انتقام در متهم و ارتکاب جرم احتمالی در آینده را نیز تشدید می‌نماید. به نظر پژوهشگر حاضر، این تناسب باید به صورت عقلانی و عرفی مورد تأیید قرار گیرد و در راستای روح ماده ۶۴ و فلسفه مجازات‌ها تعیین گردد. چرا که منظور قانون‌گذار از وضع این ماده و تبصره، جلوگیری از زندانی شدن متهم در جرمی کم‌اهمیت تر نسبت به سایر جرائم (با توجه به اوضاع و احوال جرم و مرتکب) و در کنار آن استفاده از ظرفیت‌های خود محکوم‌علیه جهت عدم تکرار جرم و اصلاح از طریق عملی ثواب مثل خدمت عمومی رایگان، در راستای تخصص و ظرفیت‌های متهم و همچنین با توجه به موضوع جرم ارتكابی است. لذا در این فقره تناسبی بین بی‌حجابی، زن بودن، شهر ورامین و شهر تهران، تخصص، تجربیات، سابقه و مهارت‌های متهم، اولویت‌های نهاد پذیرنده و ... با شست و شوی میت در غسلخانه دیده نمی‌شود.

مستفاد از تبصره ۳ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۶ آیین‌نامه ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳، دادگاه صادر کننده رأی با رضایت متهم و با توجه به نوع جرم، صلاحیت علمی و

اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربیات، سن متهم و همچنین ملحوظ داشتن ظرفیت و اولویتهای نهاد پذیرنده خدمات عمومی و سایر شرایط قانونی، نوع، مدت و ساعات خدمات عمومی را تعیین می-نماید و این رضایت منصرف از نوع خدمات عمومی رایگان مورد حکم نیست. به عبارت دیگر دادگاه باید بدو رضایت متهم از جهت نوع، مدت و ساعات خدمات عمومی رایگان را اخذ و سپس به اصدار رأی مبادرت نماید.

در تعیین مجازات جایگزین حبس نیز طبق قانون، دادگاه باید این کار را با ملاحظه نوع جرم، و ... سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه متهم انجام دهد (ماده ۶۴) و اگر از میان انواع مختلف آن خدمات عمومی رایگان را انتخاب نماید، اولاً به موجب آیین نامه آن، این خدمات باید به فراخور وضع متهم در یکی از حوزههای آموزشی، درمانی، فنی و حرفه‌ای، کشاورزی، کارگری و خدماتی باشد و ثانیاً در حوزه تعیین شده مورد موافقت متهم قرار گیرد. بنابراین پرواضح است تحمیل خدمت به عنوان نظافت‌چی برای یک پزشک یا تحمیل عنوان شست و شوی میت به یک زن هیچ تناسبی با جایگاه او ندارد. چنان‌که خیلی از مردان نیز تحمل حضور در غسلخانه را ندارد. در واقع هدف از مجازات‌های جایگزین، ارفاق به متهم و جلوگیری از به زندان رفتن وی و همچنین جلوگیری از بالا رفتن جمعیت زندان‌ها به صورت بی‌مورد است و از طریق استفاده از نهادهایی که به سود وی و جامعه می‌باشد انجام می‌شود، نه تعیین اعمال شاقه برای تحقیر و آزار او.

۳. بررسی رای از دیدگاه جرم‌شناسی

از دیدگاه طرفداران نظریه اخلاقی فایده‌گرایی اگر مجازات جز الم و رنج برای متخلف حاصل دیگری نداشته باشد قابل توجیه نیست. با وجود چنین مجازات‌هایی انتظار اصلاح‌آمیدی عبث بی حاصل است. با ایجاد رنج، تحقیر متهم جرم درجه ۸ تعزیری نه تنها مجازات جنبه اصلاحی نداشته بلکه وضعیت را وخیم‌تر می‌نماید و با برجسب‌زنی به یک زن، نظام قضایی که مطابق قانون اساسی وظیفه پیشگیری از وقوع جرم و در صورت ارتکاب جرم، اصلاح مجرم را عهده‌دار است، خود به علت ارتکاب جرائم آتی مبدل خواهد شد. فقدان نقش اصلاحی و تربیتی این مجازات نه تنها اثر مثبت اصلاحی نخواهد داشت بلکه حسب شرایط موجود،

می‌تواند اثرات سوئی بر روح و روان متهم داشته باشد و نیز موجب افزایش ماندگاری مجرم در فعالیت مجرمانه و استمرار آن گردد که این موضوع در مغایرت کامل با آموزه‌های پیشگیری قرار دارد و همچنین این اعتقاد وجود دارد که در پرونده حاضر توجهی جرم شناختی به محکوم نمودن محکوم علیه وجود ندارد. (وحدت طاهر و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵) تردید در نقش بازدارندگی مجازات از مواردی است که دادگاه صادر کننده رأی آن را مدنظر خود قرار نداده است. لذا در دیدگاه عدالت بازدارنده برای تأمین هدف مجازات‌ها که همان کاهش جرائم ارتكابی است به آینده توجه می‌شود و فرض این است که با ایجاد نظام کیفری عادلانه با پدیده جرم مبارزه شود و با پیشبینی کیفرهای متناسب از وقوع جرم جلوگیری شود و این همان رویکرد آینده‌نگر است (ظفری، ۱۳۷۷).

در واقع جرم‌شناسی با نگاهی فرا کیفری به جرم رخ داده، بزه‌کار و بزه‌دیده به دنبال درمان مجرم و نگاهی عمیق‌تر به مواردی از جمله دلایل ارتكاب جرم، خصوصیات بزه‌کار، مجازات و اقدامات مناسب و ... جهت اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم است (نجفی ابرند آبادی و همکاران، ۱۳۹۰) که یقیناً بهتر است در آراء قضایی آثار آموزه‌های آن دیده شود.

نتیجه‌گیری

اول این‌که با ملاحظه مورد فوق به نظر می‌رسد در خصوص ادله اثبات دعوی و استنادات رأی صادره در جهت محکومیت متهم با توجه به مدارک و مستندات موجود، اصول مترقی حقوق کیفری از جمله اصل برائت، اصل تفسیر موسع به نفع متهم، قاعده درء و ... و همچنین ارکان جرم رعایت نشده و بنا بر نبود ادله اثبات کافی و همچنین نقض در عنصر معنوی جرم، در خصوص متهم می‌بایست بنا بر اصل مترقی برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) حکم برائت صادر می‌گردید. دوم در خصوص مجازات تکمیلی صادره (خدمت عمومی رایگان به عنوان شست و شوی میت در غسلخانه تهران) اصل قانونی بودن و فردی کردن مجازات رعایت نشده و مجازات تکمیلی بنا بر آیین‌نامه و قانون هیچ تناسبی با جرم ارتكابی و وضعیت شخصی متهم ندارد. تأکید می‌گردد نفس عمل شست و شوی میت امری باارزش و مورد تأکید در شرع مقدس می‌باشد و نقد مجازات به معنی نقد نفس عمل نیست. لکن بنا بر قوانین و آیین‌نامه‌های موجود که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شد و همچنین سایر آموزه‌های حقوقی، تناسب مجازات با جرم ارتكابی، شخصیت مرتکب، اهداف و فلسفه مجازات، تخصص، مهارت، سن و جنسیت و ... رعایت نگردیده است. همچنین به نظر پژوهشگر حاضر، اگر مجازات حاضر به دید جنبه استخاف صادر شده باشد، با توجه به آموزه‌های حقوق اساسی، بشر و بین‌الملل و عدم تناسب موجود، این مجازات ناقض حقوق شهروندی، حقوق بنیادین و بشری متهم بوده و مخالف قانون اساسی، قانون آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌باشد (که مستنداً به ماده ۹ قانون مدنی با توجه به پیوستن کشورمان به آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است). از جنبه جرم‌شناسی نیز چنین مجازات‌هایی نه تنها مخالف فلسفه مجازات‌ها و اصول پیشگیری و اصلاح مرتکب است، بلکه می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری برای جامعه ایجاد نموده و خود جرم‌زا باشد.

در واقع مجازات ذاتاً با رنج همراه است تا مجرم از تکرار جرم و دیگران از ارتکاب آن منصرف سازد. اما نباید در این میان اهداف اصلاحی کیفر به

فراموشی سپرده شود و با تحمیل رنجی بیش از آن چه ذاتی مجازات است، آینده مجرم تباه گردیده و با خوف و تحقیر بسان شکنجه درآید. پیشنهاد می‌گردد نظام قضایی در بحث صدور آراء، تأکید مضاعفی بر فلسفه و اهداف مجازات‌ها نموده و همچنین در دروس دانشگاهی خصوصاً در مقطع کارشناسی حقوق، توجهی ویژه به آموزش این مهم صورت پذیرد. همچنین در خصوص جرائم کم اهمیت‌تر (خصوصاً جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸) می‌توان از نهادهای موجود در قانون مانند معافیت از کیفر؛ تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و ... نیز مطابق قوانین و مقررات بهره برد.

فهرست منابع

- خالقی، علی. (۱۳۹۶). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ ۹. تهران: انتشارات شهر دانش.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴). **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ ۴۳، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ ۲۸، تهران، انتشارات شهر دانش.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴)، **محصای قانون مجازات اسلامی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ ۴۳، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- غفوری، احمد (۱۳۹۹)، **شرح آزمون‌ی قانون مجازات اسلامی**، چاپ چهل و پنجم، تهران، نشر آریاداد
- ظفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، **مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی**، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- نجفی ابرند آبادی علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، **دانش‌نامه جرم‌شناسی**، چاپ ۴، تهران، انتشارات گنج دانش.
- مگوایر، مایک، گان، رادرمور و رینر، رابرت (۱۳۹۴)، **دانش‌نامه جرم‌شناسی آکسفورد**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- وحدت طاهر، مهدی، اسفندیار، ایمان و غلامی. حمید (۱۴۰۰)، **بررسی اخف یا اشد بودن مجازات شلاق و جزای نقدی در بزه توهین در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، فصلنامه نقد رأی**. دوره ۱۰، شماره ۳۵.